

پژوهشهای حقوقی

شماره ۹

هزار و سیصد و هشتاد و پنج - نیمسال اول

مقالات

- فراز و فرود حقوق هسته ای جمهوری اسلامی ایران : از شورای حکام تا شورای امنیت
- تشکیل قرارداد در فضای سایبر
- قانون قابل اجرا در حمل و نقل هوایی: بررسی سوانح هوایی فوکر ۲۸ (۱۳۷۳) و سی - ۱۳۰ (۱۳۸۴)
- ممنوعیت حجاب اسلامی در اروپا از نظر موازین حقوق بشر
- جبران خسارات وارده به جمهوری اسلامی ایران به دلیل حملات غیرقانونی ایالات متحد به سکوهای نفتی

موضوع ویژه : حقوق سرمایه گذاری در ایران

- بررسی قانون بازار اوراق بهادار مصوب ۱۳۸۴ و تأثیرات آن بر بازار سرمایه ایران
- موافقتنامه راجع به اقدامات سرمایه‌گذاری مرتبط با تجارت (موافقتنامه تریمز) و آثار حقوقی الحاق ایران به آن
- ابعاد حقوقی انتقال فناوری از طریق سرمایه گذاری خارجی
- سرمایه‌گذاری خارجی در چارچوب قراردادهای ساخت، بهره برداری و انتقال با نگاهی بر قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی مصوب ۱۳۸۱
- نظام حمایت از سرمایه گذاران از رهگذر طرح پرداخت غرامت به آنان در حقوق اتحادیه اروپا

نقد و معرفی

- مصلحت اندیشی هیأت عمومی دیوانعالی کشور در واگذاری رسیدگی برخی جرائم اطفال به دادگاه کیفری استان
- چارچوب حقوقی قطعنامه ۱۶۹۶ شورای امنیت در مورد برنامه هسته‌های جمهوری اسلامی ایران
- نظارت جهانی بر اجرای حقوق بشر: از کمیسیون تا شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد





http://jlr.sdil.ac.ir/article_44409.html

موافقتنامه راجع به اقدامات سرمایه‌گذاری مرتبط با تجارت (موافقتنامه تریمز) و آثار حقوقی الحاق ایران به آن

محسن صادقی*

چکیده: موافقتنامه راجع به اقدامات سرمایه‌گذاری مرتبط با تجارت یا موافقتنامه تریمز، به عنوان یکی از موافقتنامه‌های سازمان تجارت جهانی، کشورهای عضو را مکلف ساخته است که پس از ورود سرمایه‌های خارجی به کشور، از اعمال اقدامات حقوقی، اداری و یا اقتصادی‌ای که باعث ایجاد محدودیت برای سرمایه‌گذار خارجی و اعطای نفعی خاص به سرمایه‌گذار داخلی می‌شود، خودداری نمایند. از اینرو کشورهای عضو این سازمان نمی‌توانند سرمایه‌گذار خارجی را مجبور نمایند که بخشی از نیروی کار یا تجهیزات داخلی مورد نیاز خود را از بخش داخلی تأمین نماید و یا برای صادرات و واردات سرمایه‌گذار، محدودیت مقداری ایجاد کنند. در نظام حقوقی ایران، مقررات بسیاری وجود دارد که با اصول و مقررات تریمز مغایرت آشکار داشته و قانونگذار ما ملزم است که در مسیر الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی، این دسته مقررات مغایر را حذف یا اصلاح نماید. در این مقاله کوشیده‌ایم که پس از تبیین مفاد تریمز، اشاره‌ای به برخی قوانین مغایر ایران نموده و راهکار مناسب را به قانونگذار ارائه کنیم. **کلیدواژه‌ها:** سرمایه‌گذاری، اقدامات محدودکننده، اصل رفتار ملی، محدودیت‌های مقداری، موافقتنامه تریمز، حقوق ایران

* دانشجوی دوره دکترای حقوق خصوصی دانشگاه تهران و عضو گروه حقوق اقتصادی مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی

مقدمه

نقش سرمایه‌گذاری خارجی در رشد و شکوفایی کشور سرمایه‌پذیر، غیرقابل انکار است بطوری که برخی صاحب‌نظران اقتصادی از آن به «موتور محرک رشد و توسعه اقتصادی» تعبیر می‌کنند.^۱ سرمایه‌گذاری خارجی باعث معرفی تولیدات جدید و روش‌های نو به کشورهای میزبان، بهره‌گیری از فنون تازه مدیریت و آموزش روش‌های نوین، افزایش تولید نیروی کار، افزایش صادرات و ایجاد اشتغال می‌گردد. به رغم این اهمیت، گاه عوامل و موانعی از جمله تعارض قوانین داخلی کشورها و محدودیتهای ملی کشور سرمایه‌پذیر برای سرمایه‌گذاران، سرمایه‌گذاری خارجی را با موانعی روبرو ساخته است. از اینرو، از سالها قبل برخی کشورها در صدد تنظیم موافقتنامه‌ای بین‌المللی به منظور یکنواخت‌سازی مقررات حاکم بر سرمایه‌گذاری خارجی و کاستن از تشتت قوانین بودند.

در پی شکل‌گیری گات^۲ (در سال ۱۹۴۷) و گسترش نظریه تجارت آزاد و حذف یا کاهش موانع و محدودیتهای تجارت خارجی، کشورهای سرمایه‌گذار با تأکید بر اعمال این اصول بر حوزه سرمایه‌گذاری خارجی، دول عضوگات را به تنظیم مقرراتی برای رفع یا تقلیل محدودیتهای موجود در این حوزه ترغیب نمودند. از اینرو، اصول کلی راجع به سرمایه‌گذاری در منشوری به نام منشور هاوانا^۳ درج گردید اما با اجرا نشدن این منشور و نگرانی برخی کشورهای سرمایه‌گذار از محدودیتهایی که کشورهای سرمایه‌پذیر برای سرمایه‌گذاری خارجی ایجاد می‌کردند، موضوع مجدداً و به ابتکار آمریکا در دستور کار قرار گرفت تا اینکه در اعلامیه پونتا دل استه^۴ توافق شد که چون مقررات گات، در ارتباط با اثرات تجاری محدودکننده و منحرف‌کننده اقدامات سرمایه‌گذاری، عملکرد چندان مطلوبی نداشته‌اند، مقررات دیگری برای پرهیز از چنین اثرات سوئی بر تجارت تنظیم گردد.

^۱ نک: رضا نجارزاده و مهران ملکی، «بررسی تأثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر رشد اقتصادی با تأکید بر کشورهای صادرکننده نفت»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، سال هفتم، ش ۲۳، تابستان ۱۳۸۴، ص ۱۴۷.

^۲ General Agreement on Tariff & Trade (GATT).

^۳ Havana Charter.

^۴ این اعلامیه، یکی از اعلامیه‌های صادر شده از سوی کشورهای عضوگات بوده و دربرگیرنده نکات مهمی در باب تجارت بین‌الملل می‌باشد.

از اینرو اعضای گات تصمیم گرفتند که در مذاکرات دور اروگوئه^۵ (۱۹۸۶ تا ۱۹۹۴)، این موضوع را در دستور کار خود قرار دهند. نتیجه این مذاکرات، به انعقاد موافقتنامه‌ای تحت عنوان «موافقتنامه راجع به اقدامات سرمایه‌گذاری مرتبط با تجارت» یا «موافقتنامه تریمز»^۶ منتهی شد. این موافقتنامه که از اول ژانویه ۱۹۹۵ به اجرا در آمده است، تعریفی از اقدامات سرمایه‌گذاری مرتبط با تجارت ارائه نمی‌دهد اما در ضمیمه خود، فهرستی توضیحی^۸ از این اقدامات ارائه کرده است. علت عدم تعریف نیز آن است که در زمان مذاکرات، در خصوص قلمرو موافقتنامه و مصادیق این اقدامات، اختلاف نظرهایی وجود داشت.^۹

موافقتنامه تریمز امروزه به عنوان یکی از موافقتنامه‌های پانزده‌گانه سازمان تجارت جهانی، کشورهای عضو سازمان را مکلف ساخته است که از اعمال اقدامات محدودکننده علیه سرمایه‌گذاران خارجی خودداری نمایند. همچنین کشورهایی که قصد الحاق به این سازمان را دارند - از جمله ایران - مکلفند که ساختار حقوقی و اقتصادی خود را با اصول و قواعد این موافقتنامه هماهنگ نمایند.

از آنجا که این موافقتنامه به رغم اهمیت بسیاری که برای ایران در آستانه الحاق به سازمان تجارت جهانی دارد، همچنان ناشناخته مانده و در نوشته‌های حقوقی کشور اشاره‌ای چندان بدان نشده است لذا نگارنده در این مقاله بر آن است که مقررات موافقتنامه مزبور را تبیین کرده (بخش نخست) و پس از آن، مغایرت‌های نظام حقوقی ایران در مواجهه با این موافقتنامه و الزامات حقوقی ناشی از الحاق بدان را تشریح نموده و راهکار مقتضی را به قانونگذار کشور ارائه کند (بخش دوم).

⁵ Uruguay Round.

⁶ Agreement on Trade Related Investment Measures (TRIMS).

⁷ Mina Mashayekhi, "Trade Related Investment Measures", in: *UNCTAD, Positive Agenda and Future Trade Negotiations* New York and Geneva, United Nations, 2000, pp. 236 & 237.

⁸ Illustrative list

⁹ WTO Trade Related Investment Measures (TRIMS) Agreement, in: <http://www.dti.gov.uk/ewt/trims> p. 1.

بخش نخست: بررسی مفاد موافقتنامه تریمز

در این بخش، در قالب پنج بند، اصول و مقررات این موافقتنامه را مورد بررسی قرار می‌دهیم:

الف - اهداف موافقتنامه تریمز

اهداف تریمز که در بخش مقدمه بدان اشاره شده است، عبارتند از: «تشویق گسترش و آزادسازی هرچه بیشتر تجارت جهانی و تسهیل سرمایه‌گذاری در کشورهای دیگر به منظور افزایش رشد اقتصادی کلیه طرفهای تجاری بویژه کشورهای در حال توسعه عضو ضمن تضمین رقابت آزاد».

این موافقتنامه مقرر می‌دارد که ممکن است برخی اقدامات خاص، به محدودیت و بی‌نظمی تجاری در سطح بین‌المللی منجر شوند از اینرو هیچ عضوی نمی‌تواند اقداماتی را اعمال کند که برای خارجیان و کالاهای خارجی تبعیض‌آمیز بوده (نقض اصل رفتار ملی) و یا باعث ایجاد محدودیتهای مقداری برای سرمایه‌گذاران خارجی می‌شود.

ب - حوزه شمول موافقتنامه

هرچند از عنوان ظاهری موافقتنامه چنین برمی‌آید که این سند، تمام جنبه‌های سرمایه‌گذاری مرتبط با تجارت را در برمی‌گیرد اما باید از این ظاهر گذشت چرا که طبق ماده ۱، حوزه شمول موافقتنامه «تنها ناظر بر اقدامات سرمایه‌گذاری مرتبط با تجارت کالا می‌باشد». در واقع این موافقتنامه تنها به تدابیری مربوط می‌شود که تجارت کالا را تحت تأثیر قرار می‌دهد. علت محدود شدن قلمرو موافقتنامه به بخش کالا آن است که به خاطر پیچیده و حساس بودن بحث تجارت خدمات، هنوز هیچ راهکار و توافق مشخصی در مورد سرمایه‌گذاری مرتبط با تجارت خدمات به دست نیامده است.

نکته مهم دیگر در مورد قلمرو موافقتنامه آن است که مفاد سند تریمز تنها در مورد کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی و آن هم تنها پس از ورود و

سرمایه‌گذاری سرمایه‌گذار خارجی قابل اعمال می‌باشد از اینرو یک کشور عضو سازمان می‌تواند از ابتدا با ورود سرمایه خارجی کشوری خاص مخالفت کند و سرمایه‌گذار خارجی نمی‌تواند در این مورد به مفاد تریمز استناد کرده و کشور مخالف را ملزم به پذیرش سرمایه‌گذاری خارجی نماید؛ به عبارت دیگر، این موافقتنامه تنها ناظر به مرحله پس از سرمایه‌گذاری خارجی در کشور عضو سرمایه‌پذیر است و هدف آن، کاهش بی‌نظمی تجاری و رفع محدودیتهای تجاری سرمایه‌گذار خارجی مثل اقدامات محدودکننده واردات یا تعیین اهداف خاصی برای صادرات می‌باشد. بنابراین اجرای موافقتنامه، منوط به آن است که ابتدائاً انجام سرمایه‌گذاری خارجی، مورد موافقت دولت کشور سرمایه‌پذیر قرار گیرد. بنابراین، مخالفت یک کشور با ورود سرمایه‌های خارجی، مغایرتی با مفاد تریمز ندارد.^{۱۰}

ج- اصول کلی حاکم بر موافقتنامه

اصل رفتار ملی، اصل تعهد حذف محدودیتهای مقداری، اصل رعایت شفافیت و اصل رفتار مطلوبتر با کشورهای در حال توسعه مهمترین اصول کلی حاکم بر این موافقتنامه به شمار می‌آیند که در ادامه به توضیح هر یک از آنها می‌پردازیم.

۱- اصل رفتار ملی^{۱۱}

این اصل که یکی از اصول حقوقی حاکم بر سازمان تجارت جهانی است، در این موافقتنامه نیز مورد توجه قرار گرفته است. منظور از اصل رفتار ملی آن است که کشورهای عضو سازمان مکلفند در مواجهه با سرمایه‌گذار داخلی و خارجی، رفتار مساوی داشته باشند و پس از ورود سرمایه‌گذاران خارجی به بازار داخلی، با آنها رفتاری مشابه رفتار با رقبای داخلی داشته یا حداقل رفتاری نامطلوب‌تر نداشته باشند.^{۱۲} ماده ۲ موافقتنامه تریمز در خصوص این اصل مقرر می‌دارد:

¹⁰ Questions about TRIMs Agreement, in: <http://www.intracen.org/wordtradenet/docs/information/referencemat/faqs/invest.htm> p. 1.

¹¹ National Treatment Principle.

¹² سازمان تجارت جهانی، شناخت سازمان تجارت جهانی، ترجمه محمدجواد ایروانی، تهران، نشر مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، ۱۳۸۳، ص ۸.

«... هیچ عضوی آن دسته از اقدامات سرمایه‌گذاری مرتبط با تجارت کالا را اعمال نخواهد کرد که با مقررات ماده ۳... گات ۱۹۹۴ مغایرت دارند. فهرست توضیحی اقدامات سرمایه‌گذاری مرتبط با تجارت کالا که با تعهد به رفتار ملی مندرج در بند ۴ ماده ۳ گات ۱۹۹۴... مغایرت دارند، در ضمیمه موافقتنامه حاضر گنجانده می‌شود.»^{۱۳}

چنانچه ملاحظه می‌شود، ماده ۲ موافقتنامه در تبیین مفهوم و گستره اصل رفتار ملی در مورد اقدامات سرمایه‌گذاری مرتبط با تجارت کالا، به ماده ۳ گات و ضمیمه خود موافقتنامه تریمز ارجاع داده است. از اینرو برای شناخت بیشتر مسأله باید مفاد این دو را مورد اشاره قرار دهیم:

نخست مصادیق اصل رفتار ملی براساس ماده ۳ موافقتنامه گات

این ماده در قالب بندهای مختلف، مهمترین مصادیق رفتار ملی در مورد وضع مالیات و مقررات داخلی را - که در مورد اقدامات سرمایه‌گذاری مرتبط با تجارت نیز صادق است - برمی‌شمرد. عمده‌ترین مصادیق عبارتند از:

۱- طرفهای متعاقد نباید مالیاتها و دیگر هزینه‌های داخلی و قوانین، مقررات و الزامات مؤثر بر فروش داخلی، پیشنهاد فروش، خرید، حمل و نقل، توزیع یا استفاده از محصولات، و همین‌طور مقررات داخلی که برای استفاده کردن از محصولات، مقادیر یا نسبتهای مشخص را مقرر می‌کند، در مورد محصولات وارداتی یا داخلی به گونه‌ای اعمال کنند که برای تولید داخلی حمایت به وجود آورند.

۲- محصولات تولیدی در سرزمین هر طرف متعاهدی که وارد سرزمین طرف متعاقد دیگر می‌شوند، بطور مستقیم یا غیرمستقیم مشمول مالیاتهای داخلی یا انواع هزینه‌های داخلی دیگر، نخواهند بود که مازاد بر مالیاتها و هزینه‌هایی راجع به محصولات مشابه داخلی است. به علاوه هیچ طرف متعاهدی نمی‌تواند مالیاتهای داخلی یا هزینه‌های داخلی دیگر را در مورد محصولات وارداتی یا داخلی به گونه‌ای

^{۱۳} ترجمه مواد تریمز، برگرفته از کتاب سند نهایی دور اروگوئه (گات)، ترجمه مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، صفحات ۲۴۶ تا ۲۵۲ می‌باشد.

مغایر با اصل رفتار ملی، اعمال کند.

۳- در مورد محصولات سرزمین هر کشور عضو که وارد سرزمین هر طرف متعاقد دیگر می‌شود باید رفتاری اتخاذ شود که مشابه رفتار با محصولات مشابه دارای منشأ ملی نسبت به تمام قوانین، مقررات و الزامات مؤثر بر فروش داخلی، پیشنهاد فروش، خرید، حمل و نقل، توزیع یا استفاده، اتخاذ می‌گردد، البته اگر تفاوت هزینه‌های حمل و نقل داخلی منحصراً به خاطر عملکرد اقتصادی وسائل حمل و نقل باشد و نه بر اساس ملیت محصول، اشکالی ندارد.

۴- هیچ کشور عضوی نمی‌تواند مقرراتی وضع و یا حفظ کند که برای مخلوط، پردازش یا استفاده کردن از محصولات، مقادیر یا نسبت‌های ویژه را بطور مستقیم یا غیرمستقیم اجبار کند؛ همچنین نمی‌تواند با وضع قوانین داخلی، مقرر کند که سرمایه‌گذار خارجی باید مقدار یا نسبت خاصی از هر محصول خود را از منابع داخلی تأمین کند. برای نمونه، نمی‌توان طبق مقررات داخلی، سرمایه‌گذار خارجی را ملزم ساخت که برای تهیه یک محصول، مثل پنیر، حداقل ۲۰٪ شیر تولید داخلی را مورد استفاده قرار دهد زیرا اینگونه مقررات میزان عرضه محصول خارجی که در این مورد شیر است را محدود می‌سازد.

۵- کشورهای عضو نمی‌توانند با وضع مقررات داخلی محدودکننده، برای عرضه خارجی محصولات تولید شده حاصل از سرمایه‌گذاری، مقدار یا نسبتی خاص مقرر کنند.

۶- اقدامات مربوط به کنترل حداکثر قیمت داخلی، می‌تواند برای منافع طرفهای متعاقد عرضه‌کننده محصولات وارداتی، آثار زیانبار داشته باشد. بنابراین طرفهای متعاهدی که چنین اقداماتی را به عمل می‌آورند، به منظور اجتناب از این آثار زیانبار، تا حد امکان، باید منافع طرفهای متعاقد صادرکننده را در نظر بگیرند.

با اینحال اصل رفتار ملی، در چهار مورد استثناء می‌پذیرد:

۱- اگر بخشهای دولتی صرفاً با مقاصد دولتی و نه به قصد فروش مجدد یا استفاده از محصول در تولید کالا یا فروش تجاری، محصولی را خریداری نمایند که موجب حمایت از تولیدکننده داخلی شود، این اقدام مغایر اصل رفتار ملی نیست زیرا این اصل تنها در مورد اقدامات تجاری و در حوزه تجارت بین‌الملل حاکم است.

۲- سازمان تجارت جهانی، برای رعایت اصل رفتار ملی و جلوگیری از بروز

تجارت غیرمنصفانه، پرداخت یارانه صادراتی را به صادرکنندگان داخلی ممنوع کرده است زیرا این عمل باعث برتری صادرکنندگان داخلی در صدور محصولات بر رقبا و سرمایه‌گذاران خارجی می‌شود اما اگر یارانه پرداخت شده، مربوط به امر صادرات نبوده و صرفاً جنبه داخلی داشته باشد و بر تجارت خارجی اثر منفی نگذارد، پرداخت آن از سوی دولت، مغایر اصل رفتار ملی نخواهد بود.^{۱۴}

۳- وضع یا حفظ مقررات راجع به محدودیتهای مقداری داخلی در مورد فیلمهای سینمایی نمایشی، مغایر اصل رفتار ملی نخواهد بود.

۴- بند ۲ ماده ۱۸ گات، با هدف «کمک دولتی برای توسعه اقتصادی»^{۱۵} بخش مفصلی را گشوده است که گرچه صریحاً به کشورهای در حال توسعه و کشورهای با کمترین توسعه‌یافتگی اشاره نمی‌شود، ولی محتوای مقررات آن به گونه‌ای است که برای این گروه از کشورها رفتار متمایزی در قبال اصل رفتار ملی پیش‌بینی می‌کند.^{۱۶} به موجب این بند:

«طرفهای متعاقد بار دیگر تأیید می‌کنند که ممکن است برای طرفهای متعاقد ضرورت داشته باشد که به منظور اجرای برنامه‌ها و سیاستهای توسعه اقتصادی، اقداماتی برای ارتقای استاندارد کلی زندگی مردم خود، اقدامات حمایتی یا دیگر اقدامات مؤثر بر واردات را اتخاذ نمایند، و اقدامات مزبور تا جایی موجهند که نیل به اهداف موافقتنامه حاضر را تسهیل کنند. از اینرو، آنها توافق می‌نمایند که آن طرفهای متعاقد باید از تسهیلات اضافی بهره‌مند شوند تا بتوانند (الف) انعطاف کافی را در ساختار تعرفه خود جهت اعطای حمایت تعرفه‌ای برای مؤسسه صنعتی خاص حفظ کنند (ب) محدودیتهای مقداری را برای موازنه پرداختها به گونه‌ای اعمال کنند که ادامه سطح بالای تقاضا برای واردات که احتمال دارد بر اثر برنامه‌های توسعه اقتصادی به وجود آید؛ بطور کامل در نظر گرفته شود.

^{۱۴} برای مطالعه بیشتر در این زمینه نک: محسن صادقی، آثار حقوقی الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی بر یارانه‌های صادراتی بخش صنعت، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، ۱۳۸۵.

^{۱۵} Governmental Assistance to Economic Development

^{۱۶} رضا پاکدامن، رفتار ویژه با کشورهای در حال توسعه در نظام حقوقی سازمان تجارت جهانی، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، ۱۳۷۹، صص ۱۷-۴۴، ۴۶.

دوم ضمیمه موافقتنامه تریمز در مورد اصل رفتار ملی

این ضمیمه شامل فهرستی توضیحی در مورد آن دسته از اقدامات سرمایه‌گذاری مرتبط با تجارت کالا است که با تعهد در مورد رفتار ملی مغایرت دارد. این اقدامات شامل مواردی می‌گردد که طبق قوانین داخلی یا مقررات اداری، جنبه الزامی داشته یا نافذ هستند و اجرای آنها باعث کسب مزیت برای سرمایه‌گذاران داخلی نسبت به سرمایه‌گذاران خارجی شده و از این طریق محدودیتهایی را برای سرمایه‌گذاران خارجی فراهم می‌سازد و آنها را ملزم به:

الف) خرید یا استفاده یک بنگاه اقتصادی از محصولات دارای منشأ داخلی یا از هر منبع داخلی می‌باشد اعم از اینکه این خرید یا استفاده از لحاظ نوع محصولات، میزان یا ارزش محصولات یا بر حسب نسبتی از میزان یا ارزش تولید محلی بنگاه مشخص شده باشند یا نه؛ یا ملزم به:

ب) محدود ساختن خریدهای بنگاه اقتصادی از محصولات وارداتی به مبلغی مرتبط با میزان یا ارزش محصولات محلی که بنگاه مزبور صادر می‌کند.

ضمیمه موافقتنامه تریمز با برشمردن مصادیق فوق، از کشورهای عضو می‌خواهد که با حذف این محدودیتهای اقتصادی و حقوقی، ساختار تجاری خود را با اصول سازمان تجارت جهانی هماهنگ ساخته و انجام سرمایه‌گذاری خارجی را تسهیل کنند.

۲- اصل تعهد به حذف محدودیتهای مقداری

دومین اصل حاکم بر موافقتنامه تریمز، اصل تعهد به حذف محدودیتهای مقداری است (ماده ۲). از آنجا که یکی از شیوه‌های متداول در محدودسازی آزادی سرمایه‌گذاری خارجی، اعمال محدودیتهای مقداری یا سهمیه‌بندی در واردات یا صادرات کالا توسط سرمایه‌گذار است، لذا گات و پس از آن، سازمان جهانی تجارت در قالب موافقتنامه تریمز، کشورهای عضو را ملزم نموده‌اند که از وضع محدودیتهای مقداری در مورد سرمایه‌گذاری مرتبط با تجارت کالا و به عبارت دیگر، اعمالی که با مقررات ماده ۱۱ گات ۱۹۹۴ (ماده راجع به تعهد به حذف محدودیتهای مقداری) و بند ۲ ضمیمه موافقتنامه تریمز مغایرت دارد، خودداری کنند.

برای تبیین مصادیق اصل مزبور، ناگزیریم مقررات ماده ۱۱ گات ۱۹۹۴ و بند ۲ ضمیمه موافقتنامه تریمز را بررسی نمائیم:

نخست مصادیق حذف کلی محدودیتهای مقداری در ماده ۱ اگات

۱- یک طرف متعاقد نباید هیچ محدودیتی (از طریق اعمال سهمیه‌ها، مجوزهای صادراتی و وارداتی یا از طریق دیگر اقدامات) در مورد ورود محصولی از سرزمین طرف متعاقد دیگر یا صدور یا فروش هر محصولی که مقصد آن سرزمین طرف متعاقد دیگر باشد، وضع یا حفظ کند.

با اینحال، اصل مزبور در چهار مورد استثناء پذیرفته است:

۱- ممنوعیتها یا محدودیتهای صادراتی که برای جلوگیری یا تخفیف کمبودهای خطرناک مواد غذایی یا دیگر محصولات ضروری برای طرف متعاقد صادرکننده، موقتاً اعمال می‌شوند.

۲- ممنوعیتها یا محدودیتهای وارداتی یا صادراتی که برای اجرای استانداردها یا مقررات طبقه‌بندی، درجه‌بندی یا بازاریابی کالاها در تجارت بین‌المللی ضرورت دارند.

۳- محدودیتهای وارداتی در مورد هر محصول کشاورزی یا شیلات به هر شکلی که وارد شده باشند که برای اجرای اقدامات حکومتی و به منظورهای زیر ضرورت دارند:

- محدود کردن مقدار محصول مشابه داخلی که اجازه ورود به بازار یا تولید را دارد یا اگر تولید داخلی محصول مشابه قابل توجه نیست، یک محصول داخلی که می‌توان محصول وارداتی را مستقیماً جایگزین آن ساخت؛

- برطرف کردن مازاد موقتی محصول مشابه داخلی یا از تولید داخلی محصول مشابه قابل توجه نیست، یک محصول داخلی که می‌توان محصول وارداتی را مستقیماً جایگزین آن ساخت، بدین ترتیب که مازاد مزبور مجاناً یا زیر قیمت جاری بازار در اختیار گروههای معینی از مصرف‌کنندگان داخلی قرار گیرد؛

- محدود کردن مقدار تولید مجاز هر محصول دامی که تولید آن کلاً یا عمدتاً به کالای وارداتی بستگی مستقیم دارد، به شرط آنکه تولید داخلی آن کالا نسبتاً جزئی باشد.

۴- کشورهای در حال توسعه، به منظور حفظ وضعیت مالی خارجی و تراز پرداختهای خود ممکن است مقدار یا ارزش کالای مجاز برای ورود را محدود کند. البته این کشورها بطور موقتی و تنها در مواقع بروز مشکلات موقتی حاد مالی (مثل دفع خطر فوری یا متوقف ساختن سقوط شدید ذخایر پولی و رسیدن به یک نرخ معقول افزایش ذخایر خود در مورد کشور دارای ذخایر پولی کم) مجاز به اعمال این محدودیتها هستند و در شرایط عادی باید از اعمال آنها خودداری نمایند.

دوم مصادیق اصل تعهد به حذف محدودیت‌های مقداری در ضمیمه تریمز

طبق بند ۲ ضمیمه موافقتنامه تریمز، آن دسته از اقدامات سرمایه‌گذاری مرتبط با تجارت کالا که با تعهد حذف کلی محدودیت‌های مقداری مغایرت دارد، اقداماتی را شامل می‌شود که طبق قوانین داخلی یا مقررات اداری، جنبه الزامی داشته یا نافذ هستند یا اجرای آنها باعث کسب مزیت برای سرمایه‌گذاران داخلی نسبت به سرمایه‌گذاران خارجی شده و از این طریق محدودیت‌هایی را برای سرمایه‌گذاری خارجی فراهم می‌سازد و:

الف) ورود محصولاتی توسط بنگاه اقتصادی را که در تولید محلی آن کاربرد دارند یا به چنین تولیدی مربوط می‌شوند کلاً یا به مبلغی مرتبط با میزان یا ارزش تولید محلی که بنگاه مزبور صادر می‌کند، محدود می‌سازد؛

ب) ورود محصولاتی توسط بنگاه اقتصادی را که در تولید محلی آن کاربرد دارند یا به چنین تولیدی مربوط می‌شوند با فراهم کردن محدودیت‌هایی در دسترسی به ارز در حدی مرتبط با میزان ارز حاصل از صادرات آن بنگاه، محدود می‌سازد؛

پ) صدور یا فروش صادراتی محصولات توسط بنگاه اقتصادی را محدود می‌سازد اعم از اینکه این محدودیت از لحاظ نوع محصولات، میزان یا ارزش محصولات یا بر حسب نسبتی از میزان یا ارزش تولید محلی بنگاه مشخص شده باشند یا نه.

۳- اصل رعایت شفافیت و اطلاع رسانی

این اصل کلی، سایه خود را بر موافقتنامه‌های گوناگون سازمان تجارت جهانی از جمله تریمز گسترانیده است. مطابق این اصل، کشورهایایی که به عضویت سازمان

تجارت جهانی درمی‌آیند، مکلفند تمام اقدامات سرمایه‌گذاری مرتبط با تجارت کالا را که با مقررات این موافقتنامه مغایرت دارند به اطلاع شورایی به نام شورای تجارت کالا برسانند. سازمان تجارت جهانی به منظور ایجاد محیط قانونی با ثبات در عرصه تجارت خارجی و فراهم ساختن محیطی شفاف برای بازرگانان خارجی، از کشورهای عضو می‌خواهد که با تأسیس واحدهای ویژه‌ای برای تماس و پاسخگویی، قواعد و مقررات راجع به بخشهای مختلف تجاری را برای فعالان خارجی تبیین نمایند. این واحدها به سرمایه‌گذاران خارجی کمک می‌کند که از میزان دشواری سرمایه‌گذاری در دیگر کشورها - به دلیل قواعد و قوانین جاری در آن کشورها و تغییر آنها - آگاه شوند چرا که شفاف نبودن این قوانین در بخش سرمایه‌گذاری که در آنها بخش سرمایه‌گذار داخلی در مقابل رقبای خارجی حمایت ویژه می‌شوند می‌تواند وضع را برای سرمایه‌گذاران خارجی دشوارتر کند.

ماده ۶ موافقتنامه تریمز با تصریح به اصل فوق‌الذکر مقرر می‌دارد:

«هر عضو فهرست انتشاراتی را که اقدامات سرمایه‌گذاری مرتبط با تجارت کالا از جمله اقداماتی که حکومتها و مقامات منطقه‌ای و محلی در قلمرو خود به اجرا می‌گذارند، در آنها درج می‌شود، به اطلاع دبیرخانه سازمان خواهند رساند.»^{۱۷}

هر عضو در خواسته‌های مربوط به کسب اطلاعات را با نظری مثبت بررسی کرده و در مورد هر مسأله ناشی از موافقتنامه تریمز که توسط عضوی دیگر مطرح می‌شود، فرصت کافی برای مشورت خواهد داد. هیچ عضوی ملزم به افشای اطلاعاتی نیست که قرار دادن آنها در اختیار عموم به اجرای قانون لطمه می‌زند یا به گونه‌ای دیگر با منافع عمومی مغایرت دارد یا به منافع مشروع تجاری بنگاههای اقتصادی خاص اعم از عمومی یا خصوصی، زیان وارد می‌آورد.^{۱۸}

کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی ملزم هستند که حداقل سالی یکبار کلیه

^{۱۷} بند ۲ ماده ۶.

^{۱۸} بند ۳ ماده ۶.

قوانین و مقررات جدید خود راجع به سرمایه‌گذاری خارجی را به اطلاع سازمان رسانده و در تغییر قوانین سرمایه‌گذاری خویش، اصول سازمان تجارت جهانی را رعایت نمایند. وجود اصل شفافیت، ضمن جلوگیری از اختلافات ناشی از عدم شفافیت در اطلاع رسانی، به اقدامات دولت در آزادسازی بخش سرمایه‌گذاری انسجام بخشیده و از تغییرات پی در پی قوانین و احتمال وضع مقررات مغایر تجارت آزاد و اصول سازمان تجارت جهانی جلوگیری می‌کند. بی‌گمان ثبات محیط قانونی، می‌تواند بر جلب سرمایه‌گذاری خارجی در ایران نیز مؤثر باشد.

۴- اصل رفتار مطلوبتر با کشورهای در حال توسعه

در هنگام تصویب بند ۲ ماده ۵ موافقتنامه، مقرر شده بود که کشورهای توسعه یافته^{۱۹} ظرف یک سال، کشورهای در حال توسعه^{۲۰}، ظرف ۵ سال و کشورهای عضو دارای کمترین میزان توسعه یافتگی^{۲۱}، ظرف ۷ سال از تاریخ لازم‌الاجرا شدن تریمز (سال ۱۹۹۵)، مکلفند سازمان تجارت جهانی و اعضای آن را از همه اقدامات و تدابیر سرمایه‌گذاری که مغایر موافقتنامه تریمز است، مطلع ساخته و آن اقدامات را حذف نمایند. از آنجا که مهلت مقرر در این ماده، به پایان رسیده است، لذا کشورهایی که از این به بعد به عضویت سازمان تجارت جهانی در می‌آیند (از جمله ایران)، مکلفند از همان ابتدای الحاق، اقدامات مغایر را حذف یا اصلاح نمایند و قاعدتاً مهلتی به آنان داده نمی‌شود از اینرو این قبیل کشورها باید از هم اکنون ساختار اقتصادی و حقوقی خود را در زمینه سرمایه‌گذاری مرتبط با تجارت کالا با مفاد تریمز هماهنگ سازند. لازم به توضیح است که در ژوئیه سال ۲۰۰۱ و در پی پیشنهاد تمدید مهلت مزبور از سوی چند کشور از جمله فیلیپین و برزیل مقرر شد که این مهلت، برای چند کشور در حال توسعه و عقب‌مانده خاص، تمدید شود.^{۲۲} طبیعتاً این تمدید مهلت شامل حال ایران نخواهد بود مگر آنکه در حین مذاکرات، استمهال

¹⁹ Developed Countries.

²⁰ Developing Countries.

²¹ Least Developed Countries.

²² Goods Council Makes Good on Extension of TRIMs Dealines, in: www.ictsd.org/html/weekly/story4.21-11-00.htm

ایران مورد موافقت کشورهای سرمایه‌گذار قرار گیرد که احتمال آن، ضعیف است.

د- سیستم نظارت بر اجرای موافقتنامه تریمز و تکمیل آن

موافقتنامه تریمز، نهادی را مسؤول نظارت بر نحوه اجرای موافقتنامه (کمیته تریمز) و نهاد دیگری را مسؤول تکمیل آن (شورای تجارت کالا) کرده است.

۱- کمیته اقدامات سرمایه‌گذاری مرتبط با تجارت (کمیته تریمز)

ماده ۷ موافقتنامه تریمز، کمیته‌ای تحت عنوان کمیته اقدامات سرمایه‌گذاری مرتبط با تجارت پیش‌بینی کرده است. این کمیته در سازمان تجارت جهانی تشکیل شده است و تمام کشورهای عضو می‌توانند به عضویت آن درآیند. کمیته، رئیس و نایب رئیس خود را انتخاب کرده و حداقل یکبار در سال و یا هر زمان دیگر به درخواست هریک از اعضا، تشکیل جلسه خواهد داد. کمیته مزبور، در خصوص هر مسأله مربوط به عملکرد و اجرای موافقتنامه حاضر به اعضا فرصت مشورت را اعطاء خواهد کرد. این کمیته بر عملکرد و اجرای موافقتنامه تریمز نظارت داشته و سالی یکبار در این خصوص، به شورای تجارت کالا گزارش می‌دهد. علت پیش‌بینی چنین نهادی آن بوده است که مذاکره‌کنندگان در حین مذاکره برای تدوین مقررات تریمز، به دلیل اختلاف نظر بر روی برخی مصادیق، به ذکر برخی مقررات کلی اکتفا کرده و این احتمال را می‌دادند که به دلیل ابهام نسبی متن موافقتنامه، اجرای آن دچار اخلال شود. یکی از دشواری‌ها، اختلاف در مورد مصادیق اقدامات محدودکننده سرمایه‌گذاری خارجی است؛ به تعبیر دیگر، این نکته که آیا یک اقدام خاص می‌تواند از مصادیق اقدامات محدودکننده باشد یا نه، گاه باعث بروز اختلاف میان کشورهای عضو شده است. برای مثال، ژاپن در ۴ اکتبر ۱۹۹۶، اقدام دولت اندونزی در مورد حمایت از صنعت اتومبیل داخلی خود را مغایر موافقتنامه تریمز دانست. در مقابل، دولت اندونزی مدعی شد که چون این اقدام، لطمه‌ای جدی به سرمایه‌گذار خارجی این بخش وارد نکرده و کمک اعطایی دولت، ناچیز بوده است، لذا محدودیتی برای سرمایه‌گذار خارجی فراهم نساخته و در زمره اقدامات محدودکننده مورد نظر موافقتنامه تریمز نمی‌باشد. پس از آنکه اختلاف دو کشور از طریق مشورت در کمیته تریمز حل نشد، دولت ژاپن در هیأت حل اختلاف سازمان

تجارت جهانی، دعوایی علیه اندونزی مطرح کرد. هیأت مزبور پس از رسیدگی به موضوع، با رد استدلال دولت خوانده مقرر داشت که چون اقدام دولت اندونزی، اعطای نوعی نفع به سرمایه‌گذار داخلی و در نتیجه، نقض اصل رفتار ملی است، لذا این اقدام مشمول مقررات تریمز قرار گرفته و ممنوع می‌باشد.^{۲۳}

۲- شورای تجارت کالا^{۲۴}

ماده ۹ موافقتنامه، با پیش‌بینی شورایی به نام «شورای تجارت کالا»، وظیفه پیشنهاد اصلاحات مقتضی به کنفرانس وزیران سازمان تجارت جهانی را به این شورا محول کرده است. شورای تجارت کالا در جریان بررسی عملکرد، توجه خواهد داشت که آیا لازم است موافقتنامه تریمز با مقرراتی در خصوص سیاست سرمایه‌گذاری و سیاست رقابتی تکمیل شود یا نه. کشورهای که درخواست تکمیل این سند را دارند، پیشنهاد خود را به شورا ارائه می‌دهند و باید پیشنهاد خود را در برابر سؤالات جزئی توجیه کنند. آمریکا، اتحادیه اروپا و ژاپن در این بخش همیشه فعال بوده‌اند. یکی از پیشنهادهایی که مکرراً از سوی کشورهای توسعه یافته برای تکمیل مقررات تریمز، به شورا ارائه شده است، تعمیم گستره این موافقتنامه به اقدامات سرمایه‌گذاری مرتبط با تجارت خدمات می‌باشد. البته در «موافقتنامه عمومی تجارت خدمات سازمان تجارت جهانی» موسوم به «گاتس^{۲۵}»، از آزادسازی خدمات سخن به میان آمده و حضور تجاری اشخاص حقیقی و حقوقی یک کشور در کشور دیگر عضو برای عرضه خدمات، به عنوان یکی از شیوه‌های آزادسازی خدمات مقرر شده است^{۲۶}، اما دسته‌ای از کشورهای توسعه یافته نظیر ایالات متحده آمریکا بر لزوم تصریح این موضوع در موافقتنامه تریمز و الزام کشورها به حذف محدودیتهای مقداری برای سرمایه‌گذاری خارجی در بخش خدمات تأکید

²³ www.sice.oas.org/dispute/wto/54r00/54r03.asp.

²⁴ Council for Trade in Goods (CTG)

²⁵ General Agreement on Trade in Services (GATS).

²⁶ برای مطالعه بیشتر در این زمینه نک: مرکز تجارت بین‌الملل، تجارت خدمات در سازمان تجارت جهانی، ترجمه مسعود کمالی اردکانی و میترا نصیری، تهران، شرکت چاپ و نشر بازرگانی، ۱۳۸۳، صص ۲۷ تا ۳۲.

می‌کنند.^{۲۷} در سال ۲۰۰۱ در مذاکرات دور دوحه نیز این بحث در دستور کار کنفرانس وزیران قرار گرفت. در سال ۲۰۰۳ نیز با صدور اعلامیه‌ای، به گروه کاری دستور داده شد که بر اصول محوری سرمایه‌گذاری مثل شفافیت و نیز روشهای بررسی همکاری داوطلبانه در مورد سیاست رقابت بین اعضای سازمان تجارت جهانی، تبیین دامنه اقدامات سرمایه‌گذاری مرتبط با تجارت، راههای آماده کردن تعهدات برای مذاکره، مقررات توسعه، معافیتها و مشاوره و حل و فصل اختلاف تمرکز کند. این اعلامیه همچنین اصولی مانند نیاز به ایجاد تعادل میان کشورهای مبدأ سرمایه خارجی و سرمایه پذیر، حقوق کشورها برای تنظیم سرمایه‌گذاری، توسعه، منافع عمومی و رعایت شرایط ویژه یکایک کشورها را بر شمرده و بر حمایت و همکاری فنی با کشورهای در حال توسعه و با حداقل توسعه‌یافتگی و بر هماهنگی با سایر سازمانهای بین‌المللی مثل همکاری با کنفرانس تجارت و توسعه سازمان ملل متحد (آنکتاد)^{۲۸} تأکید دارد.^{۲۹}

ه- شیوه‌های حل اختلاف ناشی از اقدامات سرمایه‌گذاری مرتبط با تجارت در موافقتنامه تریمز

ماده ۸ موافقتنامه تریمز، برای حل اختلافات ناشی از اقدامات سرمایه‌گذاری مرتبط با تجارت، ماده‌ای را پیش‌بینی کرده و بر اساس مواد ۲۲ و ۲۳ گات ۱۹۹۴، شیوه‌های زیر را برای حل اینگونه اختلافات مقرر داشته است.

۱- مشورت؛ نخستین شیوه حل اختلاف

هر کشور عضو که در خصوص مفاد موافقتنامه تریمز با دیگر کشورهای عضو اختلاف داشته باشد ممکن است بنا به درخواست یک عضو متعاقد در مورد مسأله مورد اختلاف، وارد مشورت شود.^{۳۰} اگر کشور عضوی تشخیص دهد هرگونه منفعتی که طبق موافقتنامه تریمز بطور مستقیم یا غیرمستقیم به آن عضو تعلق

^{۲۷} Mina Mashayekhi, *op. cit.*, p. 239.

^{۲۸} United Nations Conference on Trade and Development (UNCTAD).

^{۲۹} سازمان تجارت جهانی، پیشین، صص ۱۴۷ و ۱۴۸.

^{۳۰} برگرفته از ماده ۲۲ گات ۱۹۹۴.

می‌گرفته ملغا یا تضعیف می‌شود یا تشخیص دهد که خودداری طرف متعاقد دیگر از اجرای تعهداتش طبق موافقتنامه با انجام اقدامی توسط طرف متعاقد دیگر اعم از اینکه با مقررات موافقتنامه مغایرت داشته باشد یا نه یا وجود هر وضعیتی دیگر، مانع دستیابی به هریک از اهداف موافقتنامه شوند، طرف متعاقد مزبور می‌تواند برای یافتن راه حلی رضایت‌بخش برای این مسأله، به طرف یا طرفهای متعاقد ذیربط، توضیحات یا پیشنهادهای کتبی ارائه نماید و ممکن است قضیه از طریق مشورت حل و فصل شود.^{۳۱} اگر ظرف مدتی معقول، میان طرفین، ترتیب رضایت‌بخشی به وجود نیاید، در صورت اقتضا طرفین متعاقد ممکن است با شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد و هر سازمان بین‌الدولی ذیربط مشورت نمایند.

۲- استفاده از شیوه‌های بعدی

اگر طرفهای متعاقد تشخیص دهند که اوضاع و احوال برای اقدام به مشورت، مناسب نیست، ممکن است به طرف یا طرفهای متعاقد اجازه داده شود که اجرای آن دسته از امتیازات یا دیگر تعهدات مقرر در موافقتنامه را که در این اوضاع و احوال مقتضی می‌دانند، به حالت تعلیق درآورند. اگر اجرای امتیاز یا تعهد دیگری در مورد هر طرف متعاقد واقعاً به حال تعلیق درآید، آن طرف متعاقد از این پس مخیر خواهد بود که حداکثر ۶۰ روز پس از اتخاذ این اقدام، یادداشتی کتبی در مورد قصد خود برای خروج از معاهده، برای دبیر اجرایی جهت طرفهای متعاقد ارسال دارد و این خروج در شصتمین روز پس از دریافت یادداشت توسط وی، عملی خواهد شد.^{۳۲} همچنین طرفهای اختلاف می‌توانند دعوای خود را در نزد هیأت حل اختلاف سازمان تجارت جهانی مطرح کنند تا این هیأت، بر اساس آئین حل اختلاف سازمان تجارت جهانی، رأی مقتضی را در مورد موضوع دعوا صادر کند.^{۳۳}

نکته‌ای که در مورد شیوه‌های حل اختلاف ناشی از اقدامات سرمایه‌گذاری باید گفت این است که با توجه به ذکر شیوه مشورت در بند ۱ و ذکر سایر شیوه‌ها در بند ۲

^{۳۱} بند ۱ ماده ۲۳ گات.

^{۳۲} بند ۲ ماده ۲۳ گات ۱۹۹۴.

^{۳۳} See: World Trade Organization, *The WTO Dispute Settlement Procedures*, Geneva, 1995.

و بخصوص از واژه «پس از این» در جمله آخر بند ۲ چنین برمی‌آید که طرفین اختلاف باید این شیوه‌ها را به ترتیب مورد استفاده قرار دهند و یک طرف نمی‌تواند ابتدائاً از شیوه‌های مراحل بعد استفاده کند.

بخش دوم: بررسی مقررات مغایر موجود در حقوق ایران با موافقتنامه تریمز و ارائه راهکار مناسب

بررسی مقررات نظام حقوقی ایران در دوره بعد از انقلاب، نشان‌دهنده آن است که قانونگذار ایرانی به منظور حمایت از بخش تولیدی داخلی، نیروی کار ایرانی و سرمایه‌گذار داخلی در برابر رقبای خارجی، امتیازات ویژه‌ای به بخش داخلی داده و یا محدودیتهای گوناگونی را برای رقبای خارجی در ایران مقرر داشته است. بی‌گمان این محدودیتهای و امتیازات، تنها تا قبل از الحاق ایران به موافقتنامه تریمز و پذیرش اصل تجارت آزاد امکان پذیر بوده و پس از ورود کشور به فرایند جهانی شدن تجارت، اصل رفتار ملی و حذف محدودیتهای مقداری اقتضا دارد که بسیاری از مقررات مغایر کشور در بخش سرمایه‌گذاری خارجی، حذف یا تعدیل شده و با اصول تریمز هماهنگ شود.

در این بخش از مقاله کوشیده‌ایم که مهمترین قوانین و مقررات مغایر در این زمینه را تبیین کرده و راهکار مناسب را به قانونگذار ارائه نماییم.

۱- قانون انحصار تجارت خارجی مصوب ۱۳۱۱ مجلس شورای ملی

این قانون که هنوز برخی مواد آن لازم‌الاجراست، در بند «ب» ماده ۹ خود با بیان مقره‌ای مغایر با اصل حذف محدودیت مغایر، بیان می‌دارد که ورود کالاهایی که دارای سهمیه‌بندی اقتصادی نیستند، ممنوع است. مغایرت این بند با تریمز از آن روست که ماده ۲ و بند ۲ فهرست ضمیمه این سند، با تأکید بر حذف کلیه محدودیتهایی مقداری، کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی را از اعمال سهمیه‌بندی (موانع غیرتعرفه‌ای) برای سرمایه‌گذاری خارجی بازداشته است. بنابراین با الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی، این بند «ب» ماده ۹ قانون فوق‌الذکر دیگر نمی‌تواند به حیات خود در نظام حقوقی کشور ادامه دهد و باید حذف شود.

۲- قانون تشکیل مرکز توسعه صادرات ایران مصوب ۱۳۴۵/۹/۲۹ و اساسنامه آن مصوب ۱۳۵۹/۱۰/۲۴

مطابق ماده ۵ قانون تشکیل مرکز توسعه صادرات ایران، ۵۰ درصد از حقوق گمرکی الیاف نسجی مصنوعی و درآمدهای دیگری که ناشی از عملیات مرکز توسعه صادرات ایران باشد منحصراً به مصرف پرداخت جایزه صدور و به صادرات فرآورده‌های صنعتی ایرانی خواهد رسید.

این ماده، متضمن اعطای جوایز صادراتی (اعطای نفع به تولیدات ایرانی) است از اینرو، شخصی که در ایران در این بخش سرمایه‌گذاری کند و محصولات داخلی را صادر نماید، می‌تواند از جایزه صادراتی بهره‌مند شود در حالی که سرمایه‌گذار خارجی که به تولید محصول مشابه خارجی در ایران می‌پردازد از آنجا که محصولی خارجی تولید می‌کند از این جایزه بی‌بهره است. بنابراین ماده ۵، متضمن نقض اصل رفتار ملی و در نتیجه، مغایر تریمز است.

۳- قانون مقررات صادرات و واردات مصوب ۱۳۷۲

مطابق ماده ۲۱ این قانون، دولت مکلف شده است که برای حمایت از تولیدکنندگان داخلی، زمینه تصویب قانون حقوق گمرکی کالاهای وارداتی را تهیه و تصویب نماید. این قانون در دو مرحله، یا اصل رفتار ملی مندرج در تریمز مغایرت دارد زیرا از یکسو سرمایه‌گذاران خارجی را مکلف ساخته است که در هنگام اجرای طرح، برخی از تجهیزات مورد نیاز خود را از تولیدات ایرانی تأمین نمایند و از این طریق، برای تولیدکننده ایرانی در مواجهه با رقبای خارجی قائل به امتیازی ویژه شده است؛ و از سوی دیگر در مرحله بهره‌برداری از طرح، اگر سرمایه‌گذار خارجی بتواند به تولید کالای مشابه ایرانی و حتی با کیفیتی برتر بپردازد، مطابق قانون مزبور کالای مشابه ایرانی مشمول حمایت می‌باشد.

۴- آئین‌نامه اجرایی قانون مقررات صادرات و واردات مصوب ۱۳۷۳

بخش ۱-۲ بند ۱ ماده ۲۴ این آئین‌نامه با تعیین محدودیت مقداری برای سرمایه‌گذاری خارجی مقرر می‌دارد «حداکثر میزان واردات مواد اولیه و کالاهای مورد مصرف، معادل ظرفیت اسمی سالانه واحدهای تولیدی سازنده یا تولیدکننده

کالا می‌باشد». همچنین بند ۱ ماده ۴۳ همین آئین‌نامه، ورود مواد اولیه، قطعات و لوازم یدکی و لوازم فنی مورد نیاز صنایع کشور تنها به شرطی مجاز دانسته است که از نظر کیفیت یا کمیت در حد نیاز صنایع در داخل تولید نشود. این دو بند، با اصل تعهد به حذف محدودیت‌های مقداری (ماده ۲ تریمز) مغایرت دارند و به علت اعمال محدودیت ورود سرمایه برای سرمایه‌گذار خارجی ناگزیر باید در صدد حذف آنها بود.

۵- قانون حداکثر استفاده از توان فنی و مهندسی تولیدی و صنعتی اجرایی کشور در اجرای طرحها و ایجاد تسهیلات به منظور صدور خدمات مصوب ۱۳۷۵

این قانون با نیت حمایت از مشارکت‌کنندگان داخلی (در طرحهایی که با مشارکت طرف ایرانی و خارجی راه‌اندازی و اجرا می‌شود) و نیز پشتیبانی از صنایع و تجهیزات کشور ایران وضع شد. قانون مزبور، سرمایه‌گذار خارجی را مکلف می‌سازد که طرحها و قراردادهای سرمایه‌گذاری مانند قراردادهای بی.اوتی.^{۳۴} (به عنوان یکی از شیوه‌های سرمایه‌گذاری غیرمستقیم)، بخشی از نیروی کار و تجهیزات خود را از ایران تأمین نماید. بی‌گمان این قانون با مفاد ضمیمه تریمز که وضع چنین محدودیت‌هایی را ممنوع کرده است، مغایرت آشکار دارد زیرا موافقتنامه مزبور و بطور کلی سازمان تجارت جهانی تأکید دارند که قانونگذار یک کشور عضو نباید بخش داخلی خود را از طریق قوانین حمایت‌کند زیرا در محیط تجارت آزاد، بخش داخلی و خارجی پس از رقابت با یکدیگر گوی سبقت را از هم می‌ریابند در نتیجه، دخالت قانونگذار کشور میزبان جهت ایجاد محدودیت برای رقبای خارجی، این رقابت منصفانه را مخدوش می‌سازد.^{۳۵}

^{۳۴} منظور از قراردادهای بی.اوتی. یا قراردادهای ساخت، بهره‌برداری و واگذاری قراردادهایی است که در آن، طرحی با مجوز دولت و از طرف دستگاه دولتی، برای ساخت به یک شرکت خصوصی غالباً خارجی واگذار می‌شود و پس از ساخت، امتیاز بهره‌برداری از طرح برای مدتی به شرکت سازنده داده می‌شود و بعد از انقضای مدت قرارداد، سازنده مکلف به واگذاری طرح و منافع آن به دولت می‌باشد. برای مطالعه بیشتر در این زمینه، نک: محسن صادقی، «بررسی قراردادهای بین‌المللی ساخت، بهره‌برداری و واگذاری و جایگاه آن در نظام حقوقی ایران»، فصلنامه پژوهش‌های بازرگانی، ش ۳۸، بهار ۱۳۸۵، صص ۱۵۶-۱۲۱.

^{۳۵} E.U. Petersman, *International Trade Law and GATT/WTO*, London, 1997, pp. 10 & seq.

با عنایت به مطالب مزبور، قانونگذار مکلف است در راه الحاق ایران به تریمز، موارد مغایر قانون فوق‌الذکر را حذف کند.

۶- قانون ساماندهی مبادلات مرزی مصوب ۱۳۸۴

تبصره ۳ ماده ۶ این قانون، با نقض اصل رفتار ملی و به منظور تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاران و صادرات ایرانی، مقرر داشته است که وزارت بازرگانی جهت توسعه صادرات در مناطق مرزی، برای کالاهای صادراتی که تشریفات گمرکی را طی کرده باشند، مشوقهای لازم از جمله جایزه صادراتی وضع نماید. این تبصره از آنکه به سرمایه‌گذار ایرانی در رقابت با سرمایه‌گذار خارجی، امتیازی ویژه اعطاء می‌نماید باید حذف شود چرا که با ماده ۲ موافقتنامه تریمز (اصل رفتار ملی) تعارض دارد.

نتیجه‌گیری

۱- سازمان تجارت جهانی در قالب موافقتنامه تریمز به منظور کاستن از موانع و محدودیتهای سرمایه‌گذاری خارجی، کشورهای عضو را ملزم ساخته است که از اعمال تدابیر حقوقی محدودکننده که موجب اعطای امتیاز ویژه به سرمایه‌گذار داخلی و ایجاد محدودیت برای سرمایه‌گذار خارجی می‌شود، خودداری ورزند. اینگونه تدابیر با اصل رفتار ملی و حذف محدودیتهای مقداری مغایر است لذا در موافقتنامه ممنوع شده است. الزام سرمایه‌گذار خارجی به تأمین بخشی از نیروی کار و تجهیزات مورد نیاز خود از بخش داخل، ایجاد محدودیتهای صادراتی و وارداتی برای سرمایه‌گذار و الزام او به تهیه مواد مورد نیاز براساس سهمیه‌ای محدود و از منابعی خاص و تعیین شده را می‌توان از جمله محدودیتهای دولت سرمایه‌پذیر برای سرمایه‌گذار خارجی دانست.

۲- مقررات موافقتنامه تریمز تنها پس از ورود سرمایه خارجی به کشور سرمایه‌پذیر قابل اعمال است لذا یک کشور عضو سازمان تجارت جهانی می‌تواند ابتدائاً از ورود سرمایه خارجی به کشور خود جلوگیری نماید بدون آنکه این اقدام، مغایرتی با تریمز داشته باشد.

۳- برخی قوانین و مقررات ایران در مورد بازرگانی بین‌المللی و سرمایه‌گذاری خارجی، با مفاد تریمز مغایرت داشته و در صورت الحاق به سازمان تجارت جهانی،

باید حذف یا اصلاح شوند. برای مثال، قانون حداکثر استفاده از توان فنی و مهندسی تولیدی و صنعتی اجرایی کشور در اجرای طرحها و ایجاد تسهیلات به منظور صدور خدمات، به علت ایجاد محدودیت برای سرمایه‌گذار خارجی در استفاده از نیروی کار و تجهیزات دلخواه خود با تریمز مغایر است و قانون تشکیل مرکز توسعه صادرات ایران نیز به علت نقض اصل رفتار ملی، با این موافقتنامه تعارض دارد.



JOURNAL OF LEGAL RESEARCH

VOL. V, NO. 1

2006-1

Articles

- The Pros and Cons on Iran's Nuclear Rights: From IAEA Board of Governors to UN Security Council
- Formation of Contract at Cyberspace
- Applicable Law in Air Transport: Study of Fokker 28 and C-130 Crashes
- Prohibition of Islamic Headscarf in Europe from Human Rights Law Perspective
- Reparation for Damages Caused to Iran by Illegal Attacks of USA to the Iranian Oil Platforms

Special Issue: Investment Law in Iran

- Critical Analysis of Securities and Stock Exchange Act (2005) and Its Effects on Iranian Capital Market
- Study of Trade Related Investment Measures Agreement (TRIMs) and Legal Effects of Iran Accession to It
- Legal Aspects of Transferring Technology via Foreign Investment
- Foreign Investment in Context of B.O.T. Contracts and the Iranian Foreign Investment Promotion and Protection Act
- Investment Compensation Scheme in EU Law

Critique and Presentation

- Expediency of the General Board of the Supreme Court in Referring Juvenile Delinquency to County Criminal Courts
- Legal Context of 1696 Security Council Resolution on Iran's Nuclear Programme
- Universal Monitoring on Compliance with Human Rights: From UN Human Rights Commission to Council of Human Rights



S. D. I. L.

The S.D. Institute of Law

Research & Study